



## از معجزات هوش مصنوعی

### یک شبه رهی صد ساله رفتن با هوش مصنوعی

طوری که مشاهده می‌گردد، سرعت عمل و ترویج استفاده بشر از هوش مصنوعی در زمینه اکثر فعالیت های انسانی در ساحات مختلفه بیشتر از انتظار است؛ دقیقاً معلوم نیست که به مرور زمان اندکی، تنظیمات اجتماعی انسان ها چه شکلی را بخود می‌گیرد و چه انقلاب و درهم بر همی ای را در سراسر عالم بوجود می آورد.

با محدود استفاده ای که از عملیه هوش مصنوعی در سال های اخیر صورت گرفته است، صفحات تلویزیون ها، دفاتر و فعالیت های اداری و اصلاحات عمده همه از برکت این اعجوبه قرن در حال تغییرات بنیادی هستند. بنا برآن، همانطور که با ترویج انترنت زندگی بر روی کره ارض کاملاً چهره بدل نمود، متیقن هستیم که سرعت انتقال و وجود هوش مصنوعی به مراتب بیشتر خواهد بود که البته پذیرش و اثرات آن در حیات انسان بدون چون و چرا تعمیل می‌گردد.

حال می‌رویم سر موضوع مورد بحث ما به ارتباط این اختراع عالم گیر، همانطور که استفاده از هر نوع پدیده تازه ای میتواند جنبه های منفی و مثبتی داشته باشد، استفاده از فعالیت هوش مصنوعی بدست بعضی از هموطنان وطنی ما میتواند در زمینه اغوا و انحرافات فکری خواننده مورد استفاده قرار گیرد و برعکس اکثریت فعالیت های روز افزون درین ساحه که مرجع و منبع را واضحاً آشکار می‌سازند، با وجود تشخیص خواننده از نحوه تحقیق و افشاگری «خاص» هوش مصنوعی در مطلب، نویسنده هر زره و قطره آنرا به اسم خویش مهر تائید میزند. پناه بر خدا!

نویسندگان در ادعایی که برای مالکیت اثر خویش ابراز میدارند وجداناً مکلف هستند تا از منبع قابل استفاده ذکری به عمل بیاورند، وگر نه چه فرقی «نقل در امتحانات مکتب» از سپردن یک موضوع به فابریکه «مضمون سازی» هوش مصنوعی موجود است که با کمال خدمتگاری صادقانه جمله های کوتاه و طویل را برای نویسنده به سرعت در دسترس می‌گزارد.

در ساحه هنر و میدیای افغانی هم تا حد قابل ذکری اثرات هوش مصنوعی رو نما گردیده است، اشعار و غزلیات وطنی و چهار بیتی های خاص محیط افغانی را با ویدیو های ساخت هوش مصنوعی و خوانندگان زیبا و خوش چهره مصنوعی در هر گوشه گیتی مشاهده میکنیم که به دری و پشتو آواز های محلی و کوچه باغی اصیل وطنی ما را سر میدهند...گاهی در قریه جات زیبای افغانستان هستند و زمانی نزدیک دروازه برلین، برج ایفل، تاج محل، دریای آمو، اوپیرا هوس سدنی یا منطقه بت های فنا شده بامیان. اما و ولی که چه در چنین نمایشاتی و چه در هر زمینه هنری و حتی ادبی اسم مبارک «**هوش مصنوعی -AI**» با صداقت در گوشه ای از ویدیو به چشم میخورد، الا در مطالبی که اخیراً هوش مصنوعی از نویسنده یی «**فرمایش**» میگیرد و به سرعت و دو دستی تقدیم میگردد.

موضوع بحث ما با مقدمه ای که تذکار یافت، همین نوعی سرقت ادبی است که هوش مصنوعی نظر فرمایشی را با عبارات، جملات و پراگراف هایی که کاملاً قابل تشخیص سیستم شناخته شده آنست، به روی صفحات نقش مینماید و البته نویسنده عنوانی به ان اضافه می نماید.

از ماه اپریل سال جاری به معجزه ای در وبسایت «**افغان جرمن**» مواجه گردیده ایم که به نحوی قابل قدر است، مگر اینکه کشف نماییم که افتخار ابداع چنین مضامینی دقیقاً به کار روایی های وسیع و روز افزون هوش مصنوعی وابسته میگردد و قلم بدست جسور حتی بدون اصلاح علایم معکوس، مثلاً "کامه"، صرف وظیفه صفحه بندی و انتشار آنرا بر عهده میگیرد.

در حالیکه صرف چند ماه محدودی میگذرد، شخصی «!؟» با نام دقیقاً مستعار «**ن. جلیلزاد**» با قلم شیوا و سبک خاصی در صف نویسندگان آن وبسایت قد بر افراشت و مضامین ملی و انتقادات اجتماعی خاصی از وی منتشر گردید که البته مورد توجه و تدقیق اکثر نویسندگان سابقه دار و آشنا در مطبوعات خارج از کشور قرار گرفت! اینکه شخص مذکور کی است، در کجا بسر میبرد و چگونه به منزله یک شبه راه طولانی نویسندگی را چنین طی نموده است؟

درین زمینه عده ای به سراغ تاریخچه زندگی وی در آرشیف نویسندگان رفتند و با کمال تعجب در جائیکه میتوان نویسنده را شناخت، جز توصیف و اوصاف اغراق آمیزی در مدح و ستایش وی و خانواده اش، نشانه ای از هویت بدست نیامد که نیامد. اگر در یک صفحه ایکه به منظورشناسایی اشخاص تعبیه گردیده است، به عوض اینکه به مطالعه شرح حال نویسنده بپردازیم، به چنین جملاتی با ابراز فخر و مباحات مواجه میگردیم، در حقیقت با انحراف فکری به کجراهه رفته ایم:

(**من ن. جلیلزاد فرزند سرزمینی هستم که تاریخ با شرف و شجاعت «\*» نگاشته است. در آغوش**

خانواده ای دیده به جهان گشودم که ریشه در افتخار دارد و شاخه در آسمان های بلند.)

باری بعد از اینکه به اثبات رسید که قلم بدست جدیدالورود، سخت در پنهان نمودن هویت اصرار دارد، طرز تحریر خاص استفاده از هوش مصنوعی توسط وی بین هم مسلکان مطبوعاتی مورد مباحثه قرار گرفت که نه تنها سرعت عمل ارسال و نشر مطالب ن. جلیلازاد بالاتر از فعالیت یک نویسنده ای ولو نهایت پرکار تشخیص گردید، بلکه طرز استعمال خاص و نحوه انتخاب لغات معمول در فارسی ایرانی و گذاشتن علایم بصورت معکوس همه حکایت از پناه بردن قلم نویسنده به ماشین معجزه آسای هوش مصنوعی داشت که اگر این «تصرف» محترمانه افشاء نگردد، کمتر از عملیه «نقل در جلسه امتحان مکتب» نیست.

چند ماه قبل پروگرامی بصورت «زوم» بین تعدادی از نویسندگان ما صورت گرفت. از قضاء که آقای تحت اسم ن. جلیلازاد با تصویری از یک مرد در حدود بیشتر از شصت سال با عینک سیاهی هم در جمع مشترک داشت....افواه است که عکس متعلق به یک خواننده یونانی بوده است.

حال، در حالیکه مستعار نویسی به ذات خود در شرائط خاصی معمول و مجاز است، مثلاً در مورد آنهایی که شناخت شان موجبات خطری برای خود و فامیل شان را سبب گردد. ولی کتمان هویت به چنین شرایطی، گمان هموطنان ما را به آن اشخاصی متوجه میسازد که گذشته قابل سوال شان نقطه تاریکی را بیان و تائید نماید.

واضح است که اکثریت وابستگان و پیروان «خلق و پرچمی» های از زیر دار گریخته سال های زیادی در ممالک غربی در حالت ترس و انزوا بسر میبردند و با شکست دوره اول طلبان، این گروه با انکار گذشته ننگین شان در مطبوعات قلم فرسایی را آغاز نمودند که یکی از نمونه های میدیای افغانی همین وبسایت «افغان جرمن» است که مؤسس فقید آن مرحوم ولی احمد نوری و تیم ملی وی، نشر هر مطلبی از تنظیم های سخیف جهادی و خلقی و پرچمی خیانت پیشه را اکیداً ممنوع قرار داده بود و هرگز نویسندگان با نام مستعار را بدون شناسایی اداره نمی پذیرفت؛ ولی حالا مسجد گرم و گدا آسوده ..... چیزی که عیان است چه حاجت به بیان!

به ارتباط سطور بالا، قلم بدستی که دایم و صرف به سراغ مذمت و اهانت «تنظیم های جهادی» که الحق سرزمین ما را دوباره به خاکدان و آتش مواجه ساختند برود و دقیقاً با چنین فعالیت مطبوعاتی بی حد و حصر، یادی از جنایات و خیانت کاری های گروه منفوری به نام «جمهوریت دیموکراتیک خلق» و اعضای وابسته به دولت سخیف اتحاد شوروی ننماید که در پهلوی خون و آتش، افغانستان عزیز و مردم آنرا را با اشغال سفاکانه اردوی سرخ تا آلان به مصائب بی پایان

منجمله آوارگی و در بدری مبتلا ساختند، چه قضاوتی میتوان نمود؟! کسی را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک!

مطلب دیگری در مورد آقای ن. جلیلزاد که با فعالیت وسیع برق آسایی که در وبسایت «افغان جرمن» دارد، این است که بدون شک نه اعضای هیأت مدیره و نه خوانندگان، گمان میبرند که ن. جلیلزاد، بر عکس دختری باشد جوان «؟!» و با سن کم، تعلیم یافته و بصورت معجزه آسا، دسترسی وسیع به تاریخ کشور و مسایل پیچیده حیات جامعه افغانی هم داشته باشد! ولی باور بفرمایید که از قضاء در فیس بوک وی عکس دختر جوانی به اسم «لمبه رنگریز» هم ضمیمه است. این دوشیزه جوان گاهی با همان چهره، عکس هایش را با کتاب هایی در آغوش، مقابل عمارت «یونیورستی سوربون» در پاریس چاپ مینماید و زمانی همین خانم زیبا در یک کتاب خانه شخصی مقابل میز تحریر عکس برداشته است و یا با البسه فاخر افغانی در یک منزل باشکوه....

جان مطلب درین است که تعداد زیادی از خوانندگان افغان فیسبوک اعم از مرد و زن، در حالیکه با تمهید و ستایش از فهم و دانش وی درین سن کم «؟!» متعجب هستند، با وی گفتگو – چات می نمایند و به قدرت الهی، همان مطالب و مضامین «ن. جلیلزاد» یکبار دیگر زیر اسم خانم جوان وزیبا «لمبه رنگریز» نشر میگردد!

هموطنان گرامی، در حالیکه در جهان انترنت شما به سهولت به هر دو شخصیت آشنایی داشته میتوانید، لطفاً در فیسبوک آن دوشیزه زیبا و جوان را به صفت یک مرد پا به سن خطاب ننمایید که موازنه برهم میخورد. این تصاویر زیبا به تائید استفاده از فورمات هوش مصنوعی «چات جی پی تی»، همه مصنوعی بوده و به هیچ کسی متعلق نمیباشد.

عملیه فیسبوک دایم خوانندگان دنیای مجازی را وادار با تبصره های زنانه به تعجب واد میدارد که چگونه این دوشیزه زیبا و جوان یکشبه رهی صد ساله را طی نموده است!

این هموطنان ما با ایجاد انحرافی چنین غیر عادلانه در معصومیت و خوش باوری به دختر جوان افغانی افتخار مینمایند که در چنین سن و سالی به چنین فضل و دانش رسیده است. افتخاری که باید الحق باید نصیب مخترعین «هوش مصنوعی» گردد.

**نوت: «\*»** - چگونه یک سرزمین که از خاک و نباتات تشکیل گردیده است، تاریخ را میتواند با شجاعت و شرف بنگارد؟! تاریخ را تا دنیا دنیا بوده انسان هایی که بر روی آن حیات دارند از تجارب و مطالعات خویش نگاشته اند.

معرفی فامیل گمنامی که ریشه در افتخار دارد و شاخه در آسمان، چرا نمیتواند به حکم ارتباط با تاریخ وطن معرفی گردد، تا موجبات تقلید و آموزش اجتماعی هموطنان را بار آورد؟ مگر چنین فرزندی و چنین خانواده ای نه شاید که با معرفی نمونه ای مطلوب برای هموطنان گردند؟!

ناگفته نماند که در نخستین ماه هایی که آقای ن. جلیلزاد در افغان جرمن به نویسندگی بی سابقه آغاز نمود، ما اعضای وبسایت ملی «استقلال خپلواکی» تصمیم گرفتیم با درخواست همکاری، آرشیفی برای نامبرده باز نماییم که دو حقیقت به انصراف ما در زمینه انجامید: یکی نقش و استفاده از «هوش مصنوعی» بدون ابراز نمودن چنین عملیه یی از جانب نویسنده؛ دیگر ظهور گویا خانم جوانی با انتشار عکس در فیسبوک تحت اسم «لمبه رنگریز» که دقیقاً موجبات سوء تفاهات و انحرافات فکری خوانندگان را سبب گردیده است.

پایان